

پیشگفتار

جنبشهای اجتماعی و سیاسی از مقوله تغییر و تحول اجتماعی است و در عین حال در جوامع شرقی و مسلمان در قرون اخیر، نوعی واکنش در مقابل فرایند گذار جوامع سنتی به جوامع جدید - به ویژه تحت تأثیر هجوم و ورود فرهنگ و تمدن جدید غربی - محسوب می شود که با توجه به نفوذ و سلطه استعمار کهنه و نو، عمدتاً با اشغال مستقیم نظامی بلاد شرقی و اسلامی به دست اروپاییان در قرن ۱۹ م. ۱۳/ ق. و جهت گیری رهایی بخش و ضد استعماری همراه بوده است. به طور کلی جنبش اجتماعی و سیاسی به کوششی جمعی برای پیشبرد هدف یا مقاومت در برابر دگرگونی در یک جامعه اطلاق می شود.^۱ مطابق تعریفی دیگر، جنبش به معنی «هیجان، حرکت مردمی، ناآرامی، کوشش جمعی برای رسیدن به هدفی روشن و به ویژه دگرگونی در بعضی نهادهای اجتماعی»^۲ است که در برابر حزب یا گروه فشار قرار گرفته است. وجه تمایز جنبش^۳ اجتماعی از سایر انواع رفتار جمعی^۴ و پدیده های مشابه اجتماعی و سیاسی نظیر شورش^۵، انقلاب^۶ و حزب^۷ در این است که جنبش یا نهضت و قیام در مقایسه با شورش - که حرکتی محدود و فاقد هدف یا ایدئولوژی و سازمان است - کوششی همگانی برای ایجاد تغییر با مشارکت آگاهانه

۱. باتامور، تام، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: انتشارات کیهان،

۱۳۶۶، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۷۵.

3. movement
4. collective behavior
5. rebellion
6. revolution
7. party

و فعالانه اعضای آن و دارای حداقل نظم و سازمان و انگیزه‌های ایدئولوژیک است؛ اما در مقایسه با حزب، یک جنبش دارای سازمانی کمتر و شیوه عملی پراکنده‌تر است. یک جنبش معمولاً به علت گستردگی افکار و عقاید، طیف وسیعی از مردم را در خود جای می‌دهد و غالباً به ایجاد انواع گروه‌های نسبتاً آشکار سیاسی در درون خود گرایش دارد.^۱ البته جنبشهای اجتماعی و سیاسی می‌توانند بر اثر تداوم، ثبات و پیچیدگی سازمانی به مرور زمان به حزب تبدیل شوند. اگرچه جنبش و قیام معمولاً با خشونت توأم است، لزوماً مترادف با انقلاب نیست و بسته به اینکه رهبری و ایدئولوژی مسلط بر آنچه استراتژی و تاکتیک‌هایی در پیش گیرد، می‌تواند اصلاحی یا انقلابی باشد. وجه تمایز اصلی جنبش و انقلاب در نوع برخورد آنها با نظام حاکم است؛ یعنی اگر به مفهوم خاص جامعه‌شناختی سیاسی آن، خواهان اصلاح^۲ نظام باشد، جنبشی انقلابی نیست؛ ولی اگر خواهان تغییرات اساسی و ساختاری باشد، انقلاب^۳ خوانده می‌شود؛ ضمن اینکه به طور کلی جنبشهای هواخواه تغییر و تحول اساسی اجتماعی و سیاسی استعداد تبدیل شدن به انقلاب را دارند.

در این کتاب تعدادی از مهم‌ترین جنبشهای اجتماعی و سیاسی جهان اسلام در قرون اخیر و دوره معاصر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. محدوده مکانی و جغرافیایی بحث، بخش مهمی از جهان سوم (جهان اسلام) را دربر می‌گیرد که از نظر تاریخی و فرهنگی، در ساختار اجتماعی و سیاسی، دارای وجوه مشترکی هستند. هدف ما نقد و بررسی علمی تجربه‌های فکری - سیاسی مسلمانان هواخواه تغییر وضع موجود و تبیین و تحلیل نهضت‌های اسلامی در چهارچوب بحث تغییرات اجتماعی و دگرگونی‌های سیاسی است. این بررسی، عوامل پیشرفت یا توقف و شکست، نقاط

۱. همان، ص ۵۶.

2. reform

۳. آرتور باوئر در یک تعریف نسبتاً جامع از انقلاب نوشت: انقلابها عبارت‌اند از تلاشهای موفق یا ناموفق که به منظور ایجاد تغییراتی در ساخت جامعه از طریق اعمال خشونت انجام می‌گیرند (به نقل از: جانسون، چالمرز، تحول انقلابی (بررسی نظری پدیده انقلاب)، ترجمه حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۷).

ضعف و قوت و آثار و نتایج آنها را مشخص می‌کند و فرایند و روند کلی و تکاملی این حرکتها را در یک مجموعه فکری - فرهنگی اسلامی و در سطح جهان اسلام به عنوان «امت» مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد تا بدین وسیله مسلمانان و به‌ویژه دانشجویان و طلاب اهل علم و تحقیق دانشگاه و حوزه، وضعیت حساس و تعیین‌کننده پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران را که خود متکامل‌ترین حلقه از سلسله جنبشهای اسلامی است، به‌درستی درک کنند و برای حل و رفع موانع ترقی، پیشرفت و توسعه جامعه و امت مهیا شوند؛ چرا که تنها با نقد صریح و علمی تجربه‌های گذشته است که می‌توان راه دشوار و ناهموار حال و آینده را پیمود.

دلیل‌گزینش تعدادی مشخص و معین از مهم‌ترین جنبشهای اسلامی معاصر، با عنایت به برنامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۶۲/۳/۲۲ برای این درس در رشته علوم سیاسی بوده است. بنابراین، جنبشها و نهضت‌های سیاسی - اسلامی در دو قسمت و در دو مجلد ارائه می‌شود: در قسمت اول، جنبش «وهابیت» در عربستان، «شاه ولی‌الله» در هند (قرن ۱۸ م. / ۱۲ ق.)، «سنوسی» در لیبی، «مهدی سودانی» (قرن ۱۹ م. / ۱۳ ق.) و نیز جنبش هندی «خلافت» و «محمدیه» در اندونزی (قرن ۲۰ م. / ۱۴ ق.) تحلیل شده است و در قسمت دوم، با عنوان نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، جنبشهای تنباکو، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، کواکبی، علامه اقبال و نهضت اسلامی ایران خواهد آمد. نگارنده، که چندین سال عهده‌دار تدریس این درس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و برخی مراکز آموزش عالی دیگر بوده است، از همان ابتدا با توجه به کمبود شدید منابع و مآخذ در این زمینه - به‌ویژه درباره جنبشهای قسمت اول - درصدد تهیه و تدوین متن مناسبی برای دانشجویان برآمد. کتاب حاضر حاصل تجدیدنظر و تکمیل آن متن اولیه است که به صورت کنونی عرضه شده است. امید است با راهنمایی و تذکر خوانندگان گرامی عیوب و کاستیهای این کتاب در چاپهای بعدی رفع شود. در نظر است که جنبشهای نوع دوم - که عمیق‌تر و اساسی‌ترند - در صورت امکان، در فرصتهای آتی در مجلدی دیگر عرضه شود.

کتاب حاضر در دو بخش تنظیم شده است. فصل اول از بخش اول به بررسی مختصر زمینه و سابقه تاریخی تحولات جوامع مسلمان اختصاص یافته است تا مسائل عمده جهان اسلام در دوره معاصر (انحطاط داخلی و مسئله غرب) ریشه یابی شود. در فصل دوم از بخش اول، واکنشهای گوناگون افراد و اقشار مسلمان در برخورد با آن مسائل، به منظور حل و رفع آنها بررسی می شود. در این فصل با توجه به وجوه مشترک و متفاوت و اصول حاکم بر این واکنشها و مواضع، آنها را تفکیک و دسته بندی کرده ایم و آن گاه ضمن روشن کردن واژه ها، اصطلاحات، تعاریف و مفاهیم مورد نظر، به نظریه پردازی علمی و نظری درباره جنبشها و جریانهای اسلامی در دوره معاصر پرداخته ایم.

در بخش دوم با طرح مواردی از جنبشهای اسلامی و تجزیه و تحلیل آنها، فرضیه ها و نظریات طرح شده در بخش قبل را در پرتو تجربه های عینی و عملی و فکری و سیاسی مسلمانان در قرون اخیر و دوره معاصر در برخورد با مسائل مبتلابه مورد بحث و دقت نظر قرار می دهیم و در آخر به جمع بندی و نتیجه گیری نهایی می پردازیم.

در بررسی هر یک از این جنبشها که از مناطق جهان اسلام در آسیا و شمال آفریقا گزینش شده اند، ضمن آشنایی با تاریخ و اوضاع فکری - فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جوامع مورد نظر، گاه وضعیت کنونی این حرکتها و جریانها، حتی پس از انقلاب اسلامی ایران، مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. ضرورت و اهمیت شناخت جنبشهای اسلامی، هم بر مبنای جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی و مقوله هایی چون «امت» اسلامی و وحدت مسلمانان و رابطه با ملتهاست که از اصول اساسی دین است، و هم به دلیل عقل و تدبیر سیاسی و اقتضای اوضاع جهانی و بین المللی، به ویژه پس از تحولات اخیر در بلوک شرق و اروپا که در نظم نوین جهانی امریکایی، کشورهای جهان سوم و جوامع مسلمان حتی در صورت قیام و انقلاب در کشور خود، موقعیت دشوارتر و شکننده تری نسبت به گذشته دارند و به تنهایی نمی توانند آزادی و استقلال و ترقی و توسعه خود را تأمین کنند. از این رو

مسلمانان باید بر اساس اصول و مبانی تفکر دینی‌شان راههای اتحاد و ارتباط منطقه‌ای و جهانی را هموار کنند و این امر بی‌شناخت و اطلاع وسیع و مداوم از موقعیتها و امکانات یکدیگر در بستر ارتباطات و پیوندهای مردمی و انقلابی ممکن نیست. به علاوه، کشورهای اسلامی دردها و مسائل مشترک و مشابهی دارند که نقد و بررسی تجربه‌های فکری و سیاسی مسلمانان آن کشورها در برخورد با چنان مشکلاتی، برای مسلمانان و به‌ویژه دانشجویان و تحصیل‌کردگان ایرانی بسی راهگشاست.

احمد موثقی